

بخش فرهنگی – تقریبا برای همه ما نام تعزیه و دهه اول محرم باهم گره خورده است، یکی علت است و دیگری معلول، هرچور حساب کنیم باید با هم بیایند و غیر از این انتظار نداریم. تعزیه در لغت به معنای سوگواری و عزاداری است و در تعریف عام‌تر به تاترهای مذهبی که درباره واقع کر بلا هستند، گفته می‌شود. نام اصلی تعزیه، شبیه خوانی یا شبیه‌گردانی است، یعنی اینکه افراد اجرا کننده، شبیه و بازی کننده نقش شخصیت‌های اصلی هستند.

نکته‌ای که در این میان باید به آن اشاره کرد این است که تعزیه لزوما درباره امام حسین (ع) و واقعه کربلا نیست، نمایشنامه‌های تعزیه درباره موضوعات دینی و حماسی است مثل تعزیه حضرت ابراهیم، تعزیه امامان مختلف و حتی تعزیه خنده‌دار هم داریم.

تعزیه که مجموعه‌ای از رنگ،شعر و موسیقی است؛ بیشتر برای مرگ اولیا و عزیزان از دست رفته اجرا می‌شود. نمایشی مذهبی که خیر و شر در آن مبارزه می‌کنند.

هنری برخاسته از ایران

تعزیه در سال ۲۰۱۰ در میراث فرهنگی و معنوی یونسکو ثبت شده است و با اینکه در نقاط دیگر جهان از جمله جزیره ترینیداد در دریای کارائیب تا جزایر اندونزی اجرا می‌شود، اما تعزیه از ایران برآمده است. سابقه آن به سال‌ها قبل از عاشورا و ورود اسلام به ایران برمی‌گردد که به آن «سوشون‌خوانی» می‌گفتند و نمایش در آتش رفتن سیاوش اجرا می‌شد که وقتی سیاوش، سالم از میان آتش رد می شد، نشانی از بی‌گناهی او بود.

کارگردان تعزیه را «معین‌البکا» می‌نامند

تعزیه، تئاتر مذهبی است که نمایشنامه آن به صورت شعر است و همراه با موسیقی اجرا می‌شود بنابراین با تاترهای مذهبی متداول فرق دارد. البته قواعد تئاتر در آن رعایت می‌شود، کارگردان، بازیگر و نمایشنامه دارد و روی صحنه هم اجرا می‌شود، البته لباس، تجهیزات و گریم هم دارد.

به هر اجرای تعزیه، «مجلس» می‌گویند؛ بازیگران آن را «شبیه خوان» می‌نامند، کارگردان تعزیه، «معین البکا» و نویسنده آن «مقتل‌نویس» است. همچنین به نمایشنامه تعزیه، «جُنگ» می‌گویند. تهیه‌کننده تعزیه، «باتی» و مابقی عوامل را هم «عمله تعزیه» می‌نامند.

بخش‌های مختلف تعزیه را بهتر بشناسید

مجلس یا دستگاه: به هر اجرای کامل یک مجموعه تعزیه می‌گویند. اگر در تعزیه، نقش مثبت با شمشیر شهید شود به آن «مجلس شهادت» می‌گویند که در روز خوانده می‌شود مثل مجلس شهادت امام حسین. اما اگر نقش مثبت با زهر شهید شود به آن «مجلس وفات» می‌گویند که در شب خوانده می‌شود مثل مجلس وفات امام موسی کاظم.

مجلس‌ها هم چند بخش دارند

الف. پیش خوانی: همان ورود گروه تعزیه به صحنه است. آن‌ها دسته جمعی درباره شخصیتی که قرار است، تعزیه‌اش را بخوانند، نوحه خوانی می‌کنند. بعد از آن همه به جز کارگردان می‌روند، او هم خلاصه داستان را می‌گوید، دعا می‌کند و می‌رود.

ب. پیش واقعه: قصه‌ای جانبی که با مجلس اصلی در ارتباط است و نهایتا یک ساعت طول می‌کشد. به این داستان جانبی، گوشه هم می‌گویند که نقش مقدمه را دارد مثل گوشه زائر امام رضا در مجلس امام رضا.

ج. واقعه: بدنه اصلی تعزیه که حدودا ۲–۴ ساعتی زمان می‌برد.

شبیه خوان یا بازیگران: نام دیگر تعزیه شبیه خوانی است، چون بازیگران شبیه شخصیت‌های تاریخی بازی می‌کنند و تاکید دارند شبیه آن‌ها شوند و این، یک نمایش هم شبیه ماجراست. شبیه خوانان در تعزیه به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند؛

–موافق خوان یا مظلوم‌خوان: نقش‌های مثبت تعزیه که عموما لباس‌های سبز، مشکی و سفید دارند. از دستگاه دشتی و آواز برای خواندن ابیات استفاده می‌کنند. صوتی خوش و آوازی گیرا هم دارند. به خواندن آن‌ها تحریرخوانی می‌گویند. البته موافق خوان‌ها هم به چند گروه تقسیم می‌شوند؛ الف: امام‌خوان: کارکشته‌ترین و خوش صداترین شبیه خوان. بازی در این نقش، نهایت بازی یک شبیه خوان و اوج استادی اوست. بازیگر نقش امام معمولا زره به تن نمی‌کند. او باید صورتی متین و زیبا داشته باشد و در زندگی روزمره هم مردم دوستش داشته باشند.

ب. شهادت‌خوان: موافق خوانی که درپایان مجلس تعزیه توسط اشقیا شهید می‌شود. مجلس تعزیه به نام اوست و مسیر قصه او را دنبال می‌کند.

ج. بچه خوان: اولین حضور یک شبیه‌خوان با بازی در نقش بچه‌خوان آغاز می‌شود.

{فر هنگ و هنر }

تعزیه را بهتر بشناسیم



با توجه به اینکه معمولا شبیه خوانی، نسل به نسل و پدر به پسر است، بچه‌خوان‌ها اکثرا فرزند تعزیه‌خوان‌ها هستند و به آن‌ها نقش‌هایی مثل طفلان مسلم، سکنیه یا عبدالله داده می‌شود. بعدا و بعد از سن بلوغ، بسته به نوع صدا، بچه‌خوان‌ها تبدیل به



موافق خوان یا مخالف خوان می‌شوند.

د. حر خوان: شبیه‌خوان خاکستری. نماد این خاکستری بودن و مردد ماندن، حر بن یزید ریاحی از فرماندهان سپاه کوفه است که عاشورا به امام پیوست. رنگ لباس او معمولا نارنجی یا صورتی است.

ه. زئانه‌خوان: در هنرهای نمایش سنتی ایران اعم از تعزیه، روحوضی و… زنان بازی نمی‌کنند و از زن پوش استفاده می‌کنند، این نقش در تعزیه، زئانه‌خوان نام دارد. شبیه‌خوانانی که صدای زیر و ظریف دارند، چادر و برقی به سر می‌کنند و نقش‌های بانوان را بازی می‌کنند مانند حضرت زهرا، حضرت زینب و…

–مخالف‌خوان یا اشقیاخوان: نقش‌های منفی تعزیه که عموما لباس‌های سرخ و صورتی می‌پوشند. آن‌ها با نوعی آینده‌بینی دارند، از ظالم بودن خودشان آگاهند

ژاک ترودو کارگردان، پژوهشگر و دبیرکل سابق یونیم‌ا:

تعزیه؛ یک پرفورمنس اصیل با کیفیت بالا است

عروسک مبارک و هم تعزیه هر دو کیفیت بالایی دارند و بسیار هم تاثیرگذار هستند. او درباره علت ماندگاری تعزیه توضیح می‌دهد: من فکر می‌کنم غنی بودن چیزی که در تعزیه وجود دارد، هم از نظر پرفورمنس و هم از نظر داستانی بیان می‌شود باعث شده این هنر از گذشته تا امروز در فرهنگ ایرانی بماند و در آینده نیز همچنان خواهد ماند. ترودو با یادآوری اینکه فستیوال تئاتر عروسکی مبارک نیز کیفیت بسیار بالایی داشته، اضافه کرد: یکی از ویژگی‌های نمایش‌های ایرانی مثل تعزیه و یا شخصیت مبارک این است که می‌توانند با همه، چه افراد ثروتمند و چه افراد فقیر ارتباط برقرار کند، شوخی کند و حرف بزند.

این هنرمند کانادایی از اینکه این فرصت را پیدا کرده که برای چهارمین بار به ایران بیاید، درباره حضورش در سمینار نمایش‌های آیینی سنتی نیز گفت: امسال هم همانطور که می‌دانید برای حضور در سمینار بین‌المللی نمایش‌های آیینی سنتی و همچنین فستیوال نمایش‌های آیینی سنتی به تهران آمدم. و در پاسخ به سوال شما درباره سمینار نمایش‌های آیینی سنتی باید بگویم که به نظرم این سمینار بسیار جالب بود. چراکه من در این مدت فرصت پیدا کردم تا تحقیقات و مقالات هنرمندان بزرگ، پژوهشگران و روشنفکرانی که درباره نمایش‌های آیینی سنتی ارائه کرده بودند را بخوانم. از همه مهم‌تر اینکه در این سمینار اطلاعات جدیدی درباره تعزیه بعنوان یکی از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین نمایش‌های ایرانی را خواندم که بسیار شگفت‌انگیز بود. ضمن اینکه در این فاصله این فرصت به وجود آمد تا بتوانم هر چه بیشتر و از نزدیک با انواع نمایش‌ها و شخصیت‌های نمایشی سنتی ایران و فرهنگ مردم ایران از نزدیک آشنا بشوم.

ترودو ادامه می‌دهد: به نظر من سطح این سمینار با توجه به اینکه علاوه بر پژوهشگران ایرانی، پژوهشگرانی از سایر کشورها مثل آذربایجان، بلغارستان، بلژیک و عراق هم بودند خیلی بالا بود. همچنین باید اضافه کنم که برگزاری این سمینار قبل از برگزاری فستیوال خیلی مهم بود و نشان‌دهنده سازمان‌دهی خوبی بود که باید به آن اشاره کنم.

نویسنده جامع‌ترین دایره‌المعارف نمایش عروسکی سراسر دنیا که در ششمین سمینار بین‌المللی نمایش‌های آیینی سنتی جایزه ستاری را به پاس پژوهش و تلاش در عرصه هنرهای آیینی و سنتی دریافت کرد، با قدردانی از برگزار کنندگان سمینار و جشنواره بابت اینکه شرایطی فراهم کردند تا او بتواند نمایش‌هایی با کیفیت بالا را ببیند، اظهار داشت: من این شانس را داشتم که در این روزها علاوه بر مطالعه مقالات که در سیمنار ارائه شده بود هفت نمایش سنتی ایرانی را از جمله تعزیه، عروسکی (شخصیت مبارک) و سیاه‌بازی را دیدم. اولین کاری که دیدم جدیدترین پروژه عروسکی بهروز غریب‌پور درباره خیام بود. با توجه به اینکه من با او برای مدت زیادی در یونیم‌ا همکار بودم و او را می‌شناسم و یکی از دوستان من هست، اولین بار که اپرای عروسکی او را دیدم با یک نمایشی روبرو شدم که از نظر کارگردانی،

و خودشان و بقیه اشقیا را لعنت می‌کنند. صدای زخم‌ت و صورتی گرفته دارند. با پرخاش‌گری که به آن اشتلم‌خوانی می‌گویند حرف می‌زنند و موقع ورودشان به سکو، موسیقی تندى نواخته می‌شود. مخالف‌خوان‌ها به چند گروه تقسیم می‌شوند؛ الف. شمر‌خوان: متبحرترین مخالف‌خوان، شمر‌خوان است. شبیه خوان شمر از نظر سابقه و کسوت هم تراز با امام‌خوان در موافق‌خوان‌هاست. فعال‌ترین شبیه‌خوان از نظر بازی با شمشیر و خنجر و جست و خیز و پر دیالوگ‌ترین‌ها به خصوص در تعزیه حضرت عباس. او همیشه کلاه خود و زره به تن دارد و محور شرارت است. نقش فعال شمر در تعزیه، برعکس واقعیت تاریخی است چون شمر در کربلا، دور از میدان نبرد بود و تا وقتی کسی زمین نمی‌افتاد به او نزدیک نمی‌شد.

ب. تخت‌خوان: شبیه‌خوان‌هایی که سن و سالی ازشان گذشته و نمی‌توانند روی سکو حرکت کنند، روی تخت می‌نشینند و می‌خوانند. تخت‌شین‌ها که اکثرا مخالف خوانند شامل شبیه‌خوان یزید، ابن زیاد، مامون و… می‌شوند. آن‌ها لباس جنگ به تن نمی‌کنند و دستور می‌دهند.

ج. نعش: سیاهی لشکرند. نمی‌شود به آن‌ها شبیه‌خوان گفت چون دیالوگی ندارند و فقط در صحنه حاضرند. معمولا نعش‌ها، افراد همان روستا یا از نزدیکان بانی هستند. معین البکا یا کارگردان: مسلط‌ترین شبیه‌خوان و پیشکسوتی که مجالس تعزیه و دیگر شبیه‌خوانان را به خوبی می‌شناسد. معین البکا براساس محل برگزاری، نوع و فضای تعزیه، شبیه‌خوان‌ها را دعوت به همکاری می‌کند. او وظیفه تقسیم نقش‌ها را دارد و باید با شبیه‌خوان‌ها تمرین کند. معمولا هم بازی نمی‌کند. در گوشه‌ای می‌نشیند تا اگرکسی دیالوگ‌هایش را فراموش کرد به کمکش برود. معین البکا، علاوه بر بازیگران، جامه‌دار (مسئول لباس) و گرمی‌مروم می‌آورد که به آن‌ها «عمله تعزیه» می‌گویند.

نسخه یا فیلمنامه: کل مکتوبات تعزیه را نسخه می‌گویند. متن تعزیه‌ها هم مسجع و شعر است. بیشتر اشعار نسخه‌ها هم از نوع مثنوی‌اند و علمی نیستند. به نویسنده

اشعار، مقتل‌نویس می‌گویند. خود نسخه‌ها هم بخش‌ها و نام‌های گوناگونی دارند؛ الف. جُنگ: نمایشنامه کل یک مراسم تعزیه را جنگ می‌نامند، یک کتابچه کوچک با ابعادی نصف یک دفتر مشق است. در انتهای هر جنگ، تعداد بازیگران هر مجلس و وسایل مورد نیاز آن نوشته می‌شود. جنگ در حقیقت دفترچه‌ای قدیمی است که در اختیار کارگردان یا معین البکا قرار می‌گیرد.

ب. فرد: دفترچه‌ای با ابعاد حدود ۱۵ در ۵ سانتی‌متر که به راحتی در دست جا می‌شود. در این دفترچه‌ها، دیالوگ‌های هر شبیه‌خوان نوشته شده است. در این نسخه‌ها قسمت‌هایی که شبیه‌خوان‌ها باید سکوت کنند، خط کشیده شده است.

ج. کتاب تعزیه: دفترچه‌ای که چیدمان و ترتیب و تأخر دیالوگ‌گویی را معلوم می‌کند. به این نحو که زیر اسم هر شبیه‌خوان، اولین کلمه مصراعی که باید بخواند دیده می‌شود. ترتیب اسامی هم ترتیب خواندن آن‌ها را مشخص می‌کند. البته شبیه‌خوان‌ها همراه معین البکا شب قبل از اجرا دورهم جمع می‌شوند و مدام دوره خوانی می‌کنند. موسیقی: گروهی ۷ نفره که طبل، دهل، سنج، سرنا و شیپور می‌زنند. این گروه با اجرایشان تلاش می‌کنند، فضای صحنه را عوض کنند. هر وسیله در زمان خاصی نواخته می‌شود مثلا طبل، موقع ورود افراد و سنج هم ضربات شمشیر در میدان جنگ را همراهی می‌کند. این موسیقی هیچ وقت همراه با آواز و خواندن شبیه‌خوان‌ها همراه نمی‌شود. هر کدام از شبیه‌خوان‌ها هم دستگاه آوازی خاصی دارند مثلا امام‌خوان در دستگاه پنجگاه و رهاوی می‌خواند. شبیه‌خوان عباس در چهارگاه می‌خواند. مخالف‌خوان‌ها، سه‌گاه می‌خوانند حتی بازیگر نقش عبدالله فرزند امام حسین (ع) در گوشه راک می‌خواند که برای همین این گوشه به راک عبدالله معروف شده است.

آموزش تعزیه

تعزیه مثل خیلی از هنرهای بومی این کشور، چندان آموزش کلاسیک ندارد. تعزیه‌خوان‌ها معتقدند این هنر را باید مرحله به مرحله یاد گرفت

و با سرکلاس نشستن نمی‌شود، تعزیه‌خوان شد. اما تعزیه خوانی مثل تئاتر و سینما احتیاج به استعداد بازیگری و البته حافظه خوب برای حفظ کردن دیالوگ‌ها دارد. تعزیه‌خوان نباید خجالتی باشد و بتواند راحت داد و فریاد کند.

برای تعزیه‌خوان شدن به روش سنتی باید از کودکی مراحل را طی کرد؛ اول «بچه‌خوانی» است یعنی بازی در نقش طفلان مسلم. بعد در نوجوانی، قاسم‌خوانی می‌کنند که همان بازی در نقش قاسم است. در این مرحله چون صدا بالغ می‌شود،آنها که صدای کلفت تری دارند وارد جمع منفی‌خوان‌ها می‌شوند و آنها که صدای بهتری دارند نقش‌های مثبت را بازی می‌کنند. اگر هم صدای تعزیه‌خوان، زیر باشد نقش زن به او می‌دهند (درتعزیه، زنان بازی نمی‌کنند).

✽ **عکس ها – گیلان امروز – فروزان یکتائی**

میزانسن‌ها و استفاده و ساخت تعداد زیادی عروسک بسیار اعجاب‌انگیز و زیبا جلوه می‌کرد، ولی متوجه دیالوگ‌ها نمی‌شدم. بعد از آن کتابی به من درباره خیام داده شد و آن را خواندم. بعد از اینکه آن کتاب و اشعار را خواندم برای دومین بار اپرای عروسکی بهروز غریب‌پور را دیدم و این بار هم از نظر صبری و هم از نظر محتوایی فوق‌العاده لذت بردم.

این هنرمند کانادایی هنرمندان تئاتر ایران را افراد بسیار باهوش و جدی می‌داند و با بیان اینکه با تعداد زیادی از هنرمندان تئاتر ایران دوست هست، از زهرا صبری که چندی پیش نمایشگاهی از عروسک‌هایش را در اسپانیا و فرانسه به نمایش درآورده بود، یاد می‌کند و می‌گوید که از دیدن کارهای او نیز همیشه لذت برده است. ترودو می‌افزاید: من یکی از طرفداران بزرگ تعزیه و مبارک در نمایش‌های سنتی ایران هستم و فکر می‌کنم استعدادهای زیادی در کشور شما در زمینه تئاتر وجود دارد. به نظر من وزارت فرهنگ شما باید از نظر مالی گروه‌های تئاتری ایران را بیشتر حمایت کند. زیرا کیفیت بالا در تئاتر مخصوصا تئاترهای سنتی به مسئله پول و قوی بودن اقتصاد گروه‌های تئاتری خیلی مرتبط است. در واقع حکومت‌ها باید بدانند که اگر گروه‌های تئاتری از نظر مالی پول بیشتری داشته باشند می‌توانند به کشورهای بیشتری بروند و مردم بیشتری را در سراسر دنیا از نزدیک با فرهنگ ایران آشنا کنند. دیگر اینکه وقتی گروه‌های تئاتری از نظر مالی تامین باشند می‌توانند از استعدادهای جدید به تعداد بیشتری استفاده کنند. و تا جایی که من متوجه شدم ایران پتانسیل بالایی در زمینه تئاتر دارد. و باید برای استفاده از این ظرفیت هر کاری که هر کس می‌تواند انجام بدهد.

ریاست کمیسیون میراث یونیم‌ا درباره به روز شدن نمایش‌های سنتی و اختلاف نظری که در این‌باره وجود دارد نیز بیان کرد: بطور کلی در همه جای دنیا به این صورت است که افرادی که سن بالاتری دارند دوست دارند نمایش‌های سنتی را به همان شکل همیشگی‌اش ببینند اما به همان نسبت جوان‌تر کارهای تکراری را دوست ندارند و مایل هستند که تغییراتی را در کارها ایجاد کنند. به خصوص استفاده از تکنولوژی را می‌پسندند. در نهایت من فکر می‌کنم که هم باید تئاتر‌های به شکل سنتی باشند و هم باید آنها را آدایته و به روز کرد. مثلا اگر یک تعزیه بخواهد در کشورهای دیگر اجرا بشود به نظر من برای اینکه بتواند برای مخاطب در آن کشور جذاب باشد باید بدون اینکه به اصل آن خدشه‌ای وارد شود به روز شود.

ژاک ترودو در پایان خاطر نشان کرد: من هر بار که به کشورم برگشتم درباره ایران خیلی صحبت کردم و این بار هم وقتی به کشورم برگردم مثل دفعه‌های قبل توصیه می‌کنم که هم‌وطنانم به ایران سفر کنند و اینجا را از نزدیک ببینند. ولی این بار یک توصیه ویژه می‌کنم به تمام کسانی که در کشورم تئاتر کار می‌کنند و به آنها می‌گویم که حتما در فستیوال‌های تئاتر عروسکی و تئاتر‌های آیینی سنتی ایران شرکت کنند و از نزدیک نمایش‌ها را ببینند.

دوشنبه ۱۰ مهر ۱۳۹۶

خبر

یک هنرمند موسیقی درگذشت



بخش فرهنگی – فیروز گودرزی – نوازنده برجسته موسیقی خرم‌آباد – بعد از مدت‌ها بستری شدن در بیمارستان، از دنیا رفت.

مسوول انجمن موسیقی الیگودرز با تایید این خبر به ایسنا گفت: این هنرمند به دلیل بیماری ربوی مدتی در بیمارستان فولاد شهر اصفهان بستری بود که در نهایت صبح یکشنبه ۹ مهر ماه از دنیا رفت. بنیامین گلپایگانی بیان کرد: پیکر این هنرمند موسیقی ساعت ۱۰صبح روز سه شنبه (۱۱ مهر ماه) در فولادشهر تشییع و عصر همان روز هم مراسمی برای آن مرحوم برگزار می‌شود.

به گفته مسوول انجمن موسیقی الیگودرز، فیروز گودرزی پایه‌گذار موسیقی آکادمیک در این شهر بوده است و پیش از این موسیقی در این منطقه سینه به سینه منتقل شده‌است. این هنرمند از محضراستادانی چون استاد محمدرضا لطفی، استاد سقایی، استاد فروغی، استاد فهیمه فرزین کسب فیض کرد و با شرکت درکلاس‌های آنها در تهران توانست توانایی و دانسته‌های خود را در موسیقی به ویژه نواختن تار تکمیل و ارتقاء دهد. گفته می‌شود اولین حکم نوازندگی در استان خرم آباد بعد از پیروزی انقلاب اسلامی برای او نوشته و امضا شد. آهنگ‌هایی مثل «دایه دایه» و «تا نفس دارم می‌جنگم» با همکاری برخی دیگر از هنرمندان ساخت و اجرا شد.

ماجرای نامهربانی با یکی از

شاهکارهای ادبیات جهان



بخش فرهنگی – مارسل پروست نویسنده سرشناس فرانسوی برای چاپ مطالب خوب از زمان مشهورش به روزنامه‌های فرانسوی پول می‌داد.

به گزارش خبرآنلاین، چندی دیگر نامه‌هایی از مارسل پروست در حراجی ساتنی عرضه می‌شود که آشکار می‌کند مارسل پروست نویسنده شهیر فرانسوی برای انتشار نقدهای دلفریب درباره کتاب «طرف خانه سوان»؛ نخستین جلد از رمان هفت جلدی «در جستجوی زمان از دست رفته»، در

روزنامه‌های فرانسه به آن‌ها پول می‌داد.

او آگهی‌ها را خود روی کاغذ می‌نوشت و برای ناشر می‌فرستاد تا تایپ شود. به این ترتیب نشانی از دست خط او در این کار به جا نمی‌ماند.

این نامه‌ها همراه نسخه‌ای کمیاب از کتاب «طرف خانه سوان» پیدا شده که قرار است چندی دیگر در حراجی ساتنی عرضه شود. کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند این کتاب چیزی حدود نیم میلیون یورو فروخته شود.

در این نامه‌ها مشخص است که مارسل پروست فرایند پرداخت پول به روزنامه‌ها را خودش رهبری کرده بود. نویسنده متمول فرانسوی برای ارجاعی خوشایند به کتاب «طرف خانه سوان» در صفحه نخست روزنامه فیگارو ۳۰۰ فرانک پرداخت می‌کرد که به پول امروز چیزی حدود ۹۰۰ یورو می‌شود. پروست برای انتشار مطلبی مفصل‌تر درباره رمان کرده بود. در نشریه‌ای دیگر ۶۶۰ فرانک دیگر پرداخته بود.

به باور کارشناسان تلاش پروست برای انتشار نقدهای مثبت درباره کتاب چندان عجیب نیست

چرا که او در آغاز نیز برای انتشار این اثر مشهور با مشکلات بسیاری روبروه شد و در نهایت نیز تمام هزینه‌های انتشار کتاب را خودش پرداخت کرد.

انتشارات گراست نیز پس از چاپ کتاب چندان امیدی به موفقیت آن نداشت و مدیر انتشارات در نامه‌ای به دوستش آن را «غیرقابل خواندن» توصیف کرده بود.

البته تمام این ماجراها به پایان رسید و چند هفته پس از انتشار کتاب منتقدان به ارزش آن و نبوغ پروست پی بردند. حتی یکی از ناشرانی که پیشنهاد انتشار کتاب را نپذیرفته بود به پروست نامه نوشت و این تصمیم را بزرگترین اشتباه دوران کاری خود خواند.

بینویت بوتمانس کارشناس حراجی ساتنی در این باره گفت: «در آن دوران پرداخت پول برای انتشار نقدهای خوب امری رایج بود. پروست هم این کار را استادانه انجام می‌داد. او هیچگاه خیلی مستقیم این تقاضا را مطرح نمی‌کرد. او مشاور رسانه‌ای خودش بود.»